



## دیپلماسی سلامت جمهوری اسلامی افغانستان در دوره همه‌گیری کرونا (سال ۲۰۲۰)

امان‌الله شفاپی

### چکیده

همه‌گیری کرونا به موازات درگیرکردن حوزه‌ها و عرصه‌های مختلف جهانی، روابط بین‌الملل و سیاست خارجی دولت‌ها را نیز متأثر کرده است. پس از شیوع کوید-۱۹ اهمیت و ماهیت آنچه در روابط بین‌الملل «دیپلماسی سلامت» خوانده می‌شود، بیش از پیش خود را نشان داد. تا این هنگام چنین به نظر می‌رسید که سیاست خارجی افغانستان با دیپلماسی سلامت بیگانه است. ایده اصلی نوشتار حاضر آن است تا نشان دهد که سیاست خارجی افغانستان پس از همه‌گیری کرونا تا کجا مطابق اقتضانات و اصول دیپلماسی سلامت عمل کرده و در این زمینه چه فرصت‌هایی پدید آورده و با چه چالش‌هایی درگیر بوده است. باور اولیه نگارنده این است که سیاست خارجی افغانستان در دوره همه‌گیری کرونا نشانه‌هایی از عمل در چارچوب دیپلماسی سلامت را از خود نشان داده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که رهبران افغانستان هرچند در دوره شیوع کوید-۱۹ موفق شدند با امتزاج دیپلماسی رسانه‌ای و دیپلماسی سلامت به نیازهای بهداشتی عاجل شهروندان کشور تا حدودی پاسخ دهند؛ اما دستگاه سیاست خارجی افغانستان تا استفاده حداکثری از ظرفیت‌های دیپلماسی سلامت و تأمین منافع ملی کشور کار بسیار راه درازی در پیش دارد.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، روابط بین‌الملل، دیپلماسی سلامت، همه‌گیری کرونا، افغانستان.

بنیاد اندیشه  
تاسیس ۱۳۹۴

## مقدمه

همه‌گیری کوید-۱۹ که در اواخر سال ۲۰۱۹ از ووهان چین آغاز شد، به سرعت جهان را درنوردید و مسئله‌ای بزرگ در برابر دولت‌ها و ملت‌ها قرار داد. سرعت انتشار خیره‌کننده این ویروس و ناشناخته‌ماندن ابعاد آن در روزهای نخستین، بسیاری از کشورهای جهان، حتی کشورهای توسعه‌یافته، را در شرایط حیرت و استیصال قرار داده بود. عجز و درماندگی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در نحوه مواجهه با کرونا موجب شد کشورها هم‌دیگری را به تقصیر و قصور در اطلاع‌رسانی و کنترل ویروس متهم کنند. تیره‌شدن روابط چین و آمریکا در نحوه مدیریت بحران توسط چین، سطح مناسبات و همکاری‌های طرفین را به شدت کاهش داد. بسیاری از کشورها، به‌زعم خود به منظور ایمنی، مرزهای خود را حتی به روی شهروندان کشورهای دیگر بستند و حتی به اخراج اتباع دیگر از قلمروشان مبادرت ورزیدند. روابط دیپلماتیک میان کشورهای جهان و رفت و آمد هیأت‌های سیاسی، تجاری، اقتصادی و فرهنگی میان کشورها به شدت کاهش پیدا کرد؛ اما علی‌رغم چنین ترتیباتی، کوید-۱۹ هم‌چنان می‌تاخت و قربانی می‌گرفت. در مقابل، دولت‌ها برای ایمن‌ماندن از آسیب‌های بیش‌تر و یا مواجهه با این ویروس، هریک الگوهای خاص خودشان را در کشورهایشان تطبیق می‌کردند. این در حالی بود که سازمان بهداشت جهانی بر مشارکت و همدلی جهانیان برای مقابله با کوید-۱۹ تأکید می‌کرد.

به هر حال، به دلیل عدم پیروی کرونا از منطق واحد در کشورهای مختلف و اختلافات موجود میان کشورها در نحوه مواجهه با آن، اجماع جهانی علیه آن شکل نگرفت و دولت‌ها ترجیح دادند با توجه به امکانات و شرایطشان به مصاف کرونا و ویروس بروند. در این میان، توانمندی و کارآمدی دولت‌ها و بنیه اقتصادی کشورها می‌توانست بسیار تعیین‌کننده واقع شود. در نتیجه، در کشورهایمانند افغانستان که از یک‌سو درگیر جنگ است و از سوی دیگر دولت امکانات و توانمندی مواجهه با ویروسی که سرعت انتقال آن بسیار بالاست را ندارد، این نگرانی وجود داشت که مبادا کرونا فاجعه کلان انسانی بیافریند. شیوع سریع کرونا در ایران سطح نگرانی را در افغانستان به شدت افزایش داد. دولت افغانستان که دریافته بود کرونا به زودی میهمان افغانستان نیز خواهد شد، با علم به این‌که دستگاه درمانی و بهداشتی افغانستان را یارای مقابله با سیل کرونا نیست، ناگزیر شد از ابتدا راه دیپلماسی سلامت را در پیش گیرد.

دیپلماسی سلامت در چارچوب دیپلماسی نرم قابل تعریف است. این دیپلماسی منحصر به شرایط بحران نیست؛ چه آن‌که در شرایط عادی نیز این نوع دیپلماسی نقش فعالی را در سیاست خارجی کشورها ایفا می‌کند. اما شرایط خاص افغانستان و فقدان آمادگی در داخل موجب شد تا



رهبران افغانستان برای پیش‌گیری از آسیب‌های بیش‌تر کرونا در سطح وسیعی از دیپلماسی سلامت بهره‌گیرند. در نتیجه، دولت برای جلب کمک‌های بهداشتی و درمانی از کشورها و سازمان‌های جهانی برای کنترل انتشار ویروس کرونا و درمان مبتلایان به آن تلاش کرد. دولت افغانستان علی‌رغم آن‌که کارنامه‌ی ضعیفی از خود در نحوه‌ی مواجهه با کوید-۱۹ و شیوه‌ی کنترل آن بر جای گذاشته است؛ اما این نوشتار به دنبال آن است تا دیپلماسی سلامت دولت جمهوری اسلامی افغانستان را در سال نخست همه‌گیری کرونا بررسی کرده و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، نشان دهد که دستگاه سیاست خارجی افغانستان در دوره‌ی بحران کرونا و پایین‌آمدن سطح مناسبات دیپلماتیک در روابط بین‌الملل، تا چه اندازه موفق شده است از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های آنچه «دیپلماسی سلامت» خوانده می‌شود، برای تأمین اهداف و منافع ملی افغانستان سود ببرد؟ و این‌که در این زمینه چه فرصت‌هایی در اختیار داشته و با چه چالش‌هایی برخورد کرده است؟

### ۱. چارچوب مفهومی دیپلماسی سلامت

دیپلماسی سلامت (دیپلماسی پزشکی) در چارچوب قدرت نرم جای می‌گیرد. این دیپلماسی شاخه‌ای از دیپلماسی است که در حوزه همکاری‌ها جهانی پیرامون سلامت و مسایل پزشکی پس از وقوع بیماری‌های واگیردار و پاندمی‌های ویروسی مورد توجه سیاست‌مداران واقع شده است. دیپلماسی سلامت مفهومی است که بیش‌تر به معنای «دیپلماسی پزشکی» به کار می‌رود. پیشینه این مفهوم در اصل به اوایل سال ۱۹۷۸ مربوط می‌شود؛ زمانی که برای نخستین بار «پیتر بورن»، دستیار جیمی کارتر، رئیس‌جمهور آمریکا در امور بهداشتی، گفت: «نقش بهداشت و پزشکی به عنوان وسیله‌ای برای بهبود روابط بین‌الملل، کاملاً مورد توجه ایالات متحده آمریکا است. برخی از مسایل بشردوستانه، به‌ویژه سلامت، می‌تواند بستری برای ایجاد گفت‌وگو و برداشتن موانع دیپلماتیک فراهم کند.» (بورن، ۱۹۷۸: ۱۲۱). این مفهوم در طول دهه‌های بعدی رشد و بالندگی بیش‌تری یافت؛ به‌ویژه در قرن ۲۱ و با گسترش بیماری سارس در آمریکا در سال ۲۰۰۳ و نیز آنفلوآنزای نوع A در سال ۲۰۰۹ توجه به این مفهوم بیش‌تر شد. این بیماری‌ها نشان دادند که چگونه یک ویروس می‌تواند به آسانی مرزها را درنوردد و همه کشورهای را درگیر کند (کاتز و دیگران، ۲۰۱۱: ۵۰۳).

هم‌اکنون در عصر جهانی شدن، پیشرفت تکنولوژی و افزایش ارتباطات بین‌المللی، دیپلماسی سلامت ابعاد جهانی پیدا کرده و سیاست‌مداران و محققین اصطلاح «دیپلماسی سلامت جهانی» را به‌عنوان مفهومی که در بردارنده عملکرد بازیگران دولتی و غیر دولتی برای تلاش در جهت ارتقای سلامت جهانی است، به کار می‌برند. دیپلماسی سلامت جهانی تعاریف مختلفی دارد که البته در تمام تعاریف، مذاکره طرفینی بازیگران دولتی و غیر دولتی در خصوص مسایل مرتبط با سلامت و



سیاست خارجی به چشم می‌خورد (تایپ‌رایون و اسمیت، ۲۰۱۵: ۲۸). یکی از جامع‌ترین تعاریف دیپلماسی سلامت جهانی مربوط به «شلسیل» است. طبق این تعریف، دیپلماسی سلامت جهانی یک تغییر سیاسی در راستای دستیابی به اهداف ذاتی ارتقای سلامت در سطح جهان از طریق تقویت روابط بین‌المللی، مخصوصاً در مناطقی که منابع محدود دارند، می‌باشد. هم‌چنین، شلسیل در تعریف خود به دیپلماسی سلامت به‌عنوان وسیله‌ای برای محافظت از خود در جامعه جهانی اشاره کرده و آن را فرصتی برای ایجاد پل بین دولت‌های جهان و بخش خصوصی و سازمان‌های غیر دولتی در جهت ارتقای سلامت عمومی دانسته است (شلسیل، ۲۰۰۷).

## ۲. مناسبات دیپلماسی و سلامت

توسعه روابط بین‌الملل و جهانی شدن پدیده‌ها و پدیدارها، مسایل جدیدی در سیاست خارجی دولت‌ها به وجود آورده است. جهانی شدن امروزه بیش از هر چیزی در حوزه بهداشت عمومی عینیت یافته و آن را دستخوش تحول کرده است. اگرچه دولت‌ها کوشیده‌اند حاکمیت خود را در همه حوزه‌ها، از جمله در ارتباط با مراقبت‌های بهداشتی و سیاست‌گذاری صحی، حفظ کنند؛ اما عوامل تعیین‌کننده بهداشت عمومی بیش از پیش تحت تأثیر متغیرهای جهانی قرار می‌گیرند و کشورها را برای همکاری جهت حل مشکلات در این حوزه تحت فشار قرار می‌دهند (احمدی، ۱۳۹۸: ۲۶). در جهان کنونی، دیپلماسی دیگر محصور در تعاملات و مبادلات دیپلماتیک از مجاری رسمی و محصور در دست دولت‌ها نیست؛ کما این‌که مسئله سلامت نیز دیگر مسئله داخلی کشورها شناخته نمی‌شود. کم‌رنگ شدن مرزها و تسهیلات بی‌پیشینه‌ای که در زمینه جابه‌جایی روزانه میلیون‌ها انسان میان کشورها ایجاد شده، سلامت را به مسئله مهم در حوزه دیپلماسی تبدیل کرده است. پاندمی‌ها و اپیدمی‌های ویروسی که در سالیان گذشته مناطقی از جهان را درنوردید، نشان داد که دولت‌ها نمی‌توانند موضوع سلامت را در سطح یک مسئله داخلی تقلیل دهند. گذشته از این، سلامت در جهان فعلی به ابزاری مهم و کارآمد برای دیپلماسی تبدیل شده است. بسیاری از کشورهای پیشرو در عرصه درمان و پزشکی، علی‌رغم آن‌که از حیث سیاسی در روابط بین‌الملل وزن چندانی ندارند؛ اما به لطف دستاوردهای حوزه سلامت و سیستم بهداشتی مدرنی که ایجاد کرده‌اند، به تأمین منافع ملی‌شان مدد رسانیده‌اند. در این زمینه می‌توان از اسرائیل و کوبا در حوزه بهره‌مندی از ظرفیت‌های دیپلماسی سلامت، به عنوان دو کشور پیشرو و الگو یاد کرد.

بر این پایه، دولت‌ها را گریزی از این نیست که برای تأمین سلامت اتباع‌شان و برخورداری از قابلیت‌های دیپلماسی سلامت، به شبکه جهانی سلامت بپیوندند. البته اقدام برای تحقق موارد فوق در حوزه سیاست خارجی و بهداشت عمومی مستلزم ظرفیت‌سازی برای حضور در دیپلماسی



بهداشتی جهانی از طریق ایجاد ساختار سازمانی مناسب برای همکاری در جهات مربوطه در سطح ملی و تربیت متخصصین بهداشت عمومی و دیپلمات‌ها با ظرفیت‌های لازم است. از طریق ایجاد شبکه‌های لازم، تبادل تجربه و ظرفیت‌سازی می‌توان توانایی‌های ملی در حوزه دیپلماسی بهداشتی را تقویت کرد. تبادل تجربه در این حوزه‌ها چندی است که بین مدیران روابط بین‌المللی وزارتخانه‌های بهداشت و دوایر مربوطه در وزارتخانه‌های خارجه در داخل و بین آن‌ها با هم‌تایان خارجی‌شان در شماری از کشورها انجام می‌شود. دریافت کمک از کشور یا کشورهایی که در این حوزه پیشرفت‌ها و تجربیاتی دارند، نیز در دستور کار شماری از کشورها است. هدایت دانشکده‌هایی که عهده‌دار تربیت دیپلمات‌ها و متخصصان بهداشت عمومی هستند، در جهت تطبیق با شرایط جدید و تلاش برای بهره‌گیری از توان آن‌ها در این زمینه از دیگر اقداماتی است که در برخی از کشورها در جریان است (احمدی، ۱۳۹۸: ۵۷). آنچه اکنون به نام کوید-۱۹ سلامت جهان را به مخاطره انداخته است، به صورت مشهود ماهیت دیپلماسی را تغییر داده و درگاه‌های تازه‌ای در روابط بین‌الملل به روی آن گشوده است. از جهات مختلفی می‌توان بین‌المللی شدن پاندومی‌های حوزه سلامت را با چالش‌های بین‌المللی مانند تروریسم، تسلیحات هسته‌ای و خطرات زیست‌محیطی مقایسه کرد (شمسینی غیاثوند و جهانگیری، ۱۳۹۹: ۲۳).

### ۳. ابعاد بین‌المللی همه‌گیری کرونا

اپیدمی‌ها یا پاندومی‌های نوظهور طی یکی دو دهه اخیر، و به‌ویژه آخرین آن تحت عنوان کوید-۱۹، نمونه‌هایی از پدیده‌های بهداشتی هستند که می‌توانند آثار مخرب سیاسی و اقتصادی در ابعاد بین‌المللی ایجاد کنند. این‌که این بیماری‌ها دارای چه ویژگی‌هایی هستند که به آن‌ها چنین قابلیت می‌دهد، یکی از وجوه مشکل است. وجه دیگر، شرایطی است که این وقایع بهداشتی در منظومه آن رخ می‌دهند؛ شرایطی که تحت تأثیر ارتباطات و تحرکات گسترده در سطح جهانی شکل گرفته و در پرتو آن آسیب‌پذیری جامعه بشری در برابر بیماری‌های اپیدمیک به نحو تصاعدی در حال افزایش است (احمدی، ۱۳۹۸: ۲۹). هنگامی که خبر خیزش کروناویروس از شهر ووهان چین انتشار یافت، حتی سازمان بهداشت جهانی باور نمی‌کرد که در سال ۲۰۲۰ یک ویروس نامرئی به مهم‌ترین چالش سال در سطح جهان تبدیل شود.

سرعت انتشار ویروس در پنج قاره جهان و در ماندگی دولت‌ها در مقابله با آن حاکی از آن بود که هنوز جهان با مخاطرات بسیار و ناشناخته‌ای روبه‌رو است. وحشتی که کوید-۱۹ پس از ناکامی اکثر کشورهای جهان در کنترل آن ایجاد کرد، موجب شد موجی از وحشت جهان را فرا بگیرد. ابهام در منطق عمل ویروس در سطح جوامع مختلف از یک سو و هزاران تنی که روزانه قربانی آن می‌شدند



از سوی دیگر، جهانیان را قانع کرد که کرونا ویروس یک مسئله و معضل بین‌المللی است؛ چه آن‌که این ویروس مناسبات خاص سیاسی در ابعاد داخلی و بین‌المللی ایجاد کرده بود؛ چنان‌که می‌توان در حوزه سیاست خارجی به تحول در مفهوم و چالش‌های امنیت، روی آوردن به منطقه‌گرایی، تشدید دولت‌گرایی، لطمه خوردن مناسبات شرق با غرب و تحول در بلوک‌بندی جهانی اشاره کرد (شمسینی غیاثوند و جهانگیری، ۱۳۹۹: ۲). در حوزه روابط بین‌الملل هم ایزوله شدن برخی از کشورها توسط کشورهای دیگر، کاهش سطح همکاری میان کشورهای جهان، عدم پیروی برخی از کشورها از رهنمودهای سازمان بهداشت جهانی، افزایش آمار فقر و بیکاری در سطح جهان، کاهش شدید ارتباطات بین‌المللی، لطمه خوردن صنعت گردشگری و معلق شدن بسیاری از روندها و برنامه‌های جهانی مانند به تأخیر افتادن المپیک ۲۰۲۰، صرفاً در شمار مهم‌ترین مسایلی قرار می‌گیرند که از قبل شیوع کوید-۱۹ جهان را متأثر ساخته‌اند. همه این مسایل در حالی است که جامعه بین‌الملل تعریف روشن و واحدی از «امنیت بهداشتی جهانی» ندارد. اختلافات به حدی است که سیاست‌گذاران در جوامع توسعه‌یافته بر حفاظت از مردم‌شان، خصوصاً در برابر تهدیدهای خارجی مانند بیوتروریسم و پاندمی‌ها، تأکید دارند و حال آن‌که مسئولان و سیاست‌گذاران بهداشتی در کشورهای در حال توسعه این مفهوم را در یک چارچوب وسیع‌تر می‌فهمند (احمدی، ۱۳۹۸: ۴۶).

بدون تردید، همه‌گیری کرونا نشان داد که حتی در امن‌ترین کشورهای جهان، تهدیدهای نامرئی وجود دارد که می‌تواند منشأ آن هزاران کیلومتر دورتر باشد. کرونا شوک بزرگی به امنیت جهان وارد کرد و حقایق بسیاری را در برابر دیدگان دولت‌ها و ملت‌ها قرار داد. البته، هنوز هم تمامی ابعاد ویروس کرونا روشن نشده و کسی نمی‌داند که با وجود شروع واکسیناسیون در برخی از کشورها، کوید-۱۹ تا چه زمانی بشریت را همراهی خواهد کرد. اما همه این را می‌دانند که مقابله با این دشمن نامرئی نیازمند اقدام جمعی در سطح جهانی است. اتهاماتی که چین و امریکا علیه یکدیگر در رابطه با شیوع و مدیریت کرونا ویروس وارد می‌کنند و دامنه آن را به حوزه تجارت می‌کشاند، مطلوب‌ترین شرایط برای بقای کوید-۱۹ است. حتی اگر برنامه‌های واکسیناسیون موفق شوند که کرونا ویروس را زمین‌گیر کنند؛ اما کسی چه می‌داند که ممکن است به زودی این ویروس چموش جهشی دیگر کند و ورژن تازه‌ای از خود ارائه نماید و در نتیجه، تمامی تلاش‌های مراقبتی و درمانی نهادهای سلامت جهانی را بی‌اثر کند.

#### ۴. افغانستان، کرونا ویروس و دیپلماسی سلامت

انتشار خبر شیوع کرونا در ایران، دولت افغانستان را در شرایط سختی قرار داد. دولت در ابتدای کار مرزها را با ایران مسدود کرد؛ اما تحت فشار هجوم افغان‌های عودت‌کننده از ایران، مجبور به



بازگشایی مرزها شد. پیرو آن کرونا به همراه عودت‌کنندگان وارد افغانستان شد و کار خود را از غرب کشور آغاز کرد. در مدت اندکی کرونا چهارگوشه افغانستان را فراگرفت. دولت که از یک‌سو درگیر اختلافات حاصل از برگزاری انتخابات جنجالی ریاست جمهوری بود و از سوی دیگر که در برابر تهاجم برق‌آسای کرونا غافل‌گیر شده بود، به صرافت افتاد. در ابتدا دولت گمان می‌کرد با اقتباس از کشورهای دیگر می‌تواند با ساخت بیمارستان‌های اختصاصی و اجرای قرنطینه در شهرهای کلان، کرونا را زمین‌گیر کند؛ اما راست آن است که دولت بودجه اندکی در اختیار داشت و اعمال قرنطین و به تعطیلی کشاندن کشور، می‌توانست معیشت میلیون‌ها انسان را به مخاطره بیندازد. در نتیجه، دولت افغانستان به سنت سال‌های اخیر چشم به ماورای مرزها دوخت و از جامعه جهانی تقاضای کمک کرد و از این‌جا دیپلماسی سلامت افغانستان آغاز شد. دستگاه‌های ذی‌دخل در حوزه سیاست خارجی و بهداشت، تحت رهبری رئیس‌جمهور، تلاش کردند برای کاهش خسارت‌های جانی و اقتصادی بحران کرونا، مساعدت‌های ویژه جامعه جهانی را در حوزه درمان و کنترل و تأمین هزینه‌ها و تجهیزات مورد نیاز جلب کنند. دیپلماسی سلامت هنوز هم نقش مهمی در سیاست خارجی افغانستان ایفا می‌کند و به نظر می‌رسد تا پایان غائله کرونا، سیاست‌گذاران افغانستان ناگزیر به ادامه آن هستند. ماحصل دیپلماسی سلامت افغانستان در دوره همه‌گیری کرونا (سال ۲۰۲۰) را در دو سطح می‌توان بررسی کرد.

#### ۴-۱. کرونا و فرصت‌های دیپلماسی سلامت

همه‌گیری ویروس کووید-۱۹ در جهان و قدرت بالای سرایت آن، سرآغاز گفت‌وگوهای سیاسی پرشماری در جهان بوده است و سیاست‌مداران و دیپلمات‌ها در عرصه بین‌الملل کوشیده‌اند از تهدیدات حاصل از این بیماری برای پیشینه‌سازی منافع و تبیین مواضع بین‌المللی خود بهره‌برداری کنند (شریعتی و یوسفی، ۱۳۹۹: ۱۲۱). کرونا هرچند خسارت‌های مادی و معنوی هنگفتی به پیکره جامعه و اقتصاد افغانستان وارد آورد؛ اما این بحران فرصتی ایجاد کرد تا ظرفیت‌های دیپلماسی سلامت افغانستان قدری محک بخورد. در گرماگرم مبارزه با کرونا دولت مردان افغانستان جایگاه این کشور در نظام سلامت جهانی را دریافتند و دستگاه دیپلماسی افغانستان را در سپهر همه‌گیری کرونا آزمودند. همه‌گیری کرونا دیپلماسی افغانستان را در روندهای جهانی مشارکت داد. در چارچوب این روندها، نهادهای بهداشت بین‌المللی با تمام ظرفیت در تعامل با کشورهای جهان وارد صحنه شدند و موضوعاتی در دستور کار آن‌ها قرار گرفت که همزمان دارای ابعاد و ریشه‌هایی در سطوح ملی و بین‌المللی بودند. ضمن آن‌که افغانستان در جریان افت و خیز کرونا سراغ دوستان بین‌المللی اش



را گرفت و البته در کنار مسایل مربوط به کوید-۱۹، تا حدودی موفق شد افغانستان را از سایه رکود حاصل از کاهش مناسبات و ارتباطات با دنیای خارج، خارج کند. دیپلماسی سلامت به مانند بسیاری از دیپلماسی‌های غیر رسمی، یا نیمه‌رسمی در شرایط بحران به کار می‌آید؛ کما این‌که از دیپلماسی‌های عمومی، علمی، رسانه‌ای، فرهنگی، ورزشی و... چنین هنرهایی ساخته است. در دوره بحران سلامت، دیپلماسی سلامت مانند هر دیپلماسی عمومی دیگری از این قابلیت برخوردار است که نقش مهمی در پیشبرد منافع دولت‌ها، به‌ویژه در حوزه تنش‌زدایی و مناسبات بین‌المللی، بازی کند؛ بنابراین، اقدامات دولت برای تنش‌زدایی با دولت‌های دیگر می‌تواند در بستر این دیپلماسی جریان و تداوم یابد و از محدود شدن در فضای گفت‌وگوهای سرد، پیچیده و چندلایه سیاسی - که امکان رسیدن به سازش در آن‌ها دشوار است - خارج شود (باقری دولت‌آبادی و شفيعی سیف‌آبادی، ۱۳۹۹: ۳۹). دیپلماسی سلامت در حوزه‌های مختلفی فرصت‌ساز است و ما در ادامه مهم‌ترین آن را نسبت به افغانستان در دوره همه‌گیری کرونا بررسی می‌کنیم.

#### ۴-۱-۱. تحرک دیپلماسی رسانه‌ای

پس از ثبت رسمی نخستین افراد مبتلای به کوید-۱۹ در ولایت هرات، دولت افغانستان که درگیر کش‌وقوس‌های ناشی از اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری بود و آمادگی لازم برای مقابله با اپیدمی و ویروسی را نداشت، برای جلب توجه جامعه جهانی به دیپلماسی رسانه‌ای روی آورد. دیپلماسی رسانه‌ای یکی از ابزارهای دولت‌ها برای پیگیری دیپلماسی عمومی در عرصه نظام بین‌الملل به شمار می‌آید و امروزه جایگاه مهمی در سیاست خارجی کشورها به دست آورده است؛ جایگاهی که اهمیت آن به سبب شرایطی که ویروس کرونا با توجه به عدم امکان برگزاری ملاقات‌های دیپلماتیک ایجاد کرده، دوچندان شده است. در کنار مذاکراتی که از طریق مسیرهای رسمی دیپلماتیک میان بازیگران بین‌المللی انجام می‌شود، دیپلماسی رسانه‌ای به‌عنوان سازوکار تکمیلی برای تحقق هدف‌ها و تأمین منافع ملی، مورد توجه واقع می‌شود (قوام، ۱۳۸۴: ۱۴-۱۸). قرار گرفتن رویدادهای مربوط به کرونا در صید اخبار رسانه‌ها و برگزاری کنفرانس‌های خبری متوالی از سوی وزارت صحت عامه و ارائه ارقامی که نشان‌دهنده رشد سریع کوید-۱۹ در سراسر افغانستان داشت، تا حدود زیادی توجه جامعه جهانی به سمت کشوری که گفته می‌شد در برابر آسیب‌های کوید-۱۹ بی‌پناه است، جلب شد.

از سوی دیگر، مقامات رسمی حکومت، به‌ویژه شخص رئیس‌جمهور، دیپلماسی رسانه‌ای و دیپلماسی سلامت را به هم آمیخت با این هدف که در صورت خارج شدن شیوع کرونا از حد کنترل،





جامعه جهانی عمق فاجعه را دریابد. بر این پایه، اشرف غنی در اوایل تاخت‌وتاز کرونا در دیدار با نماینده سازمان ملل متحد با اشاره به چالش‌های ناشی از موج دوم ویروس کرونا گفت: «دفاتر یونسف و سازمان بهداشت جهانی (WHO) در کابل، با توجه به حالات اضطراری و استعجالیت مبارزه با ویروس کرونا، تعهدات‌شان را به خاطر تقویت سیستم صحتی افغانستان و مبارزه مؤثر با موج دوم ویروس کرونا انجام دهند.» (<https://af.sputniknews.com/afghan>). هم‌چنین، رئیس‌جمهور افغانستان در نشست مجمع عمومی سازمان ملل که به صورت مجازی برگزار شده بود، از جامعه جهانی انتقاد کرد و گفت که کشورها نتوانسته‌اند به طور منسجم با ویروس کرونا در سطح جهانی مبارزه کنند. او درباره تجربه دور اول مبارزه با بیماری کووید-۱۹ در افغانستان و آمادگی دولت‌ش برای مقابله با موج دوم بیماری صحبت کرد. اشرف غنی گفت که کشورش در آستانه موج دوم بیماری کووید-۱۹ است و مبارزه با این بیماری در اولویت برنامه‌های دولت او قرار دارد. او گفت: «افغانستان در قلب آسیا موقعیت و مرزهای باز و نیمه‌باز دارد؛ یعنی ما می‌توانیم هم مرکز گسترش کرونا باشیم و هم مرکز مهار آن؛ البته، اگر به‌عنوان جامعه جهانی یکجا کار کنیم و بر اساس درس‌های آموخته‌شده از موج اول ویروس کرونا عمل کنیم.» (<https://www.independentper-sian.com/node>). در رابطه با جلب توجه جهان به شرایط نامساعد افغانستان در برابر کروناویروس، وزارتخانه‌های خارجه و صحت عامه نیز سعی کردند در ارتباط با کشورهای چین، هندوستان، ایالات متحده و اعضای اتحادیه اروپا، و هم‌چنین سازمان‌های بهداشتی بین‌المللی، توجه آن‌ها را به شرایط سختی که افغانستان در آن گرفتار آمده بود را جلب کرده و زمینه مساعدت‌های بین‌المللی را فراهم آورند.

#### ۲-۱-۴. جلب کمک‌های جامعه جهانی

بحران کرونا موضوعی است که به همکاری و همگرایی بین‌المللی نیاز دارد. از زمان شیوع کرونا تا کنون کشورهای جهان، گاه خودسرانه و گاه زیر چتر حمایتی سازمان ملل و سازمان بهداشت جهانی، کوشیده‌اند بیش‌ترین کمک و اقدام را در راستای کاهش آثار مخرب این همه‌گیری انجام دهند (شمسینی غیاثوند و جهانگیری، ۱۳۹۹: ۱۲). دولت‌ها دریافته‌اند که همه‌گیری کرونا بحران جهانی است و بدون همکاری و اقدام دسته‌جمعی، کنترل ویروس بسیار دشوار است. بر این پایه، هرچند در اوایل شیوع کرونا برخی از کشورها با انسداد مرزها و اعمال قرنطین در نظر داشتند با مکانیسم‌های داخلی، بحران را حل و فصل کنند؛ اما قدرت و سرعت انتشار کرونا به حدی بود که دولت‌های جهان را به بهره‌گیری از ظرفیت‌های دیپلماسی سلامت متقاعد کرد. دولت افغانستان که



تا حدود زیادی از منابع داخلی قطع امید کرده بود، به سرعت از جامعه جهانی تقاضای کمک کرد و در نتیجه موفق شد مخاطرات کوید-۱۹ را به حداقل برساند. در رابطه با جلب و جذب کمک‌های بین‌المللی شخص اشرف غنی دست به کار شد. او موفق شد بانک جهانی را به اعطای ۳۸۰ میلیون دالر کمک به افغانستان راضی کند. در نتیجه، این بانک کمک مذکور را در اختیار دولت افغانستان نهاد و دولت نیز آن را تحت عنوان «دسترخوان ملی» و «میثاق شهروندی» میان مردم توزیع کرد (<http://afghannews.af>). هم‌چنین، دولت افغانستان در رایزنی با دولت امریکا به‌عنوان شریک راهبردی خویش موفق شد بیش از ۴۲ میلیون دالر را به صورت نقد از این کشور دریافت کند (اطلاعات روز، ۲۸ جوزا ۱۳۹۹). هم‌چنین، رئیس‌جمهور در دیدار با نماینده سازمان ملل متحد از دفاتر یونسف و سازمان بهداشت جهانی (WHO) درخواست کرد که با توجه به ادامه امواج کرونا، سازمان‌های بین‌المللی در مدیریت بحران با افغانستان همکاری کرده و منابع مالی لازم را فراهم کنند (<https://af.sputniknews.com/afghan>).

در حالی که کروناویروس نخستین سالگرد تولد خود را جشن گرفته است، سیاست جلب حمایت‌ها و مساعدت‌های بین‌المللی از جانب دولت افغانستان ادامه دارد. نگرانی افغانستان از مخاطرات کوید-۱۹ کماکان به قوت خود باقی است و این موضوع حتی در اجلاس بین‌المللی ژنو که از سوی «دوستان افغانستان» برگزار شد، نیز خود را نشان داد. در این اجلاس نهایتاً کشورهای کمک‌کننده ۱۳ میلیارد دالر در چهار سال آینده برای کمک به افغانستان متعهد شدند که قطعاً بخشی از این رقم به امور درمان و کنترل کوید-۱۹ اختصاص خواهد یافت. این در حالی است که کشورهای کمک‌دهنده خود نیز درگیر بحران هستند؛ بنابراین، با توجه به چالش‌های اقتصادی گسترده‌ای که به خاطر همه‌گیری ویروس کرونا جهان را فراگرفته است، موافقت با اهدای این مبلغ، دستاورد بزرگی تلقی می‌شود (<https://www.independentpersian.com/node>).

#### ۴-۱-۳. توسعه مناسبات با نهادهای صحی بین‌المللی

به موازات دیپلماسی سلامت افغانستان در رابطه با بازیگران اصلی روابط بین‌الملل، دولت افغانستان با بازیگران غیر اصلی، به‌ویژه نهادهای بهداشتی و سازمان‌های اقتصادی، وارد تعامل شد و دامنه دیپلماسی سلامت را در این عرصه نیز بسط داد. کوید-۱۹ برای افغانستان فرصتی پدید آورد تا به عنوان دولتی مشروع وزن خویش را در میزان سازمان‌ها و نهادهای غیر دولتی جهانی بسنجد. انتشار سریع کروناویروس در سراسر جهان مهم‌ترین سازمان جهانی بهداشتی را به صرافت انداخت. نگرانی سازمان بهداشت جهانی (WHO) این بود که کرونا در کشورهای توسعه‌نیافته و جوامع فقیر



قتل عام وسیعی به راه اندازد. افغانستان در این رابطه در شمار کشورهای در معرض خطر قرار داشت. ضمن آن که افغانستان به دلیل همجواری با ایران به عنوان کانون انتشار کوید-۱۹ در خاورمیانه، شرایط سختی پیدا کرده بود. بر این پایه، دولت مردان افغانستان دریافتند سازمان‌های جهانی در رابطه با کنترل اپیدمی و درمان مبتلایان به آن همکاران صادق‌تری هستند. لذا وزارت صحت افغانستان با استفاده از دیپلماسی رسانه‌ای وضعیت افغانستان را اسفناک خواند و از سازمان بهداشت جهانی تقاضای کمک کرد. در این شرایط سازمان یادشده صرفاً می‌توانست تا حدودی اقدام مورد نیاز مانند دستگاه‌های اکسیژن، داروهای تقویتی و ماسک در اختیار افغانستان قرار دهد؛ اما وزیر صحت عامه افغانستان پیوسته درخواست‌های بیش‌تری را طرح می‌کرد و خواستار کسب تجارب از این سازمان در مبارزه با پاندمی‌های جهانی می‌شد. به هر حال، پیگیری‌های وزارت صحت عامه و وزارت امور خارجه موجب شد که افغانستان از منظر سازمان بهداشت جهانی در بالای لیست کشورهای در معرض خطر قرار گرفته و توجه دیگر نهادهای صحتی مانند صلیب سرخ را نسبت به وخامت اوضاع جلب نماید؛ چنان‌که «رابرت ماردینی»، رئیس صلیب سرخ، در اوج همه‌گیری کرونا به افغانستان رفت و به جامعه بین‌الملل از وضعیت دشوار افغانستان در جنگ ویروسی هشدار داد. (<https://www.bbc.com/persian/afghanistan>)

چنین هشدارهایی تا حدود زیادی کارگر افتاد و افغانستان موفق شد کمک‌های بیش‌تری از سازمان‌های اقتصادی و مالی جهانی دریافت کند. در این رابطه، اشرف غنی، رئیس‌جمهور، در گفت‌وگو با رؤسای بانک انکشاف آسیایی و نمایندگان سازمان صحتی جهان و یونسف برای تطبیق طرح واکسیناسیون در افغانستان درخواست کمک کرده است و در مقابل، مسئولان این نهادها در این گفت‌وگو از تعهد مالی جامعه جهانی برای تمویل مرحله نخست واکسین کووید ۱۹ خبر داده و تعهد کرده‌اند که مرحله اول این واکسین از سوی حکومت افغانستان به کمک بانک جهانی تطبیق خواهد شد (<https://www.dw.com/fa-af>).

هم‌چنین، رئیس‌جمهور شخصاً به سراغ رئیس بانک جهانی رفت و در گفت‌وگوی تلفنی با رئیس این بانک، ضمن تشریح وضعیت مالی دولت افغانستان در مبارزه با کوید-۱۹، از بانک جهانی مساعدت‌های مالی تقاضا کرد. اشرف غنی تأکید کرد که افغانستان برای کمک به افراد مستحق و بی‌بضاعت در مواجهه با کرونا به همکاری ثروتمندان و شرکایی مانند بانک جهانی نیازمند است. پیرو این تماس، چندی بعد بانک جهانی اعلام کرد که این بانک با همکاری و تعهدات دیگر مؤسسات بین‌المللی خود را متعهد به کمک ۱۰۴ میلیون دلاری به افغانستان می‌داند. پس از این تعهد، دولت افغانستان از تدوین برنامه ملی مبارزه با کرونا خبر داد و برای جلب بیش‌تر اعتماد



سازمان‌های بین‌المللی، رئیس‌جمهور غنی این برنامه را در تماس‌های آنلاین با سفیران خارجی، نهادهای بین‌المللی، از جمله اتحادیه اروپا، بانک توسعه آسیایی، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، به مشارکت گذاشت (<https://www.irna.ir>) و در تماس تلفنی با دبیرکل سازمان ملل متحد، از کمک‌های این سازمان و حمایت‌ها و مساعدت‌های این سازمان در مقابله با ویروس کرونا قدردانی کرد (<https://www.trt.net.tr/dari/dny>).

#### ۴-۱-۴. توسعه دیپلماسی سلامت

همه‌گیری کرونا پس از شوک اولیه‌ای که به جهانیان وارد کرد، افکار عمومی و نخبگان را با تهدیدات جدیدی که می‌تواند امنیت جهان را به خطر اندازد، آشنا نمود. کرونا ویروس در ابتدا مشکل کشور چین پنداشته می‌شد؛ اما پس از چندی تبدیل به چالشی در سطح بین‌الملل شد. در نتیجه در کنار مسایل مربوط به محیط زیست، بهداشت جهانی نیز به چالشی بزرگ برای دولت‌ها تبدیل شد و نشان داد که جهانی شدن پیامدهای خطرناکی نیز می‌تواند داشته باشد. کوید-۱۹ این پیام را نیز رسانید که بسیاری از حوزه‌های سیاست عمومی که به صورت سنتی در حوزه سیاست داخلی قرار داشت، اکنون به ماورای مرزها سرریز کرده و از نظر دامنه و آثار، ابعادی جهانی یافته‌اند؛ تحولی که سیاست‌گذاران در بسیاری از این حوزه‌ها را ناچار به بسط افق‌های خود کرده است (احمدی، ۱۳۹۸: ۲۵). در حقیقت، دیپلماسی سلامت افغانستان در دوره کرونا که به صورت مشهودی توسط شخص رئیس‌جمهور غنی رهبری می‌شد، کوشید با استفاده از بحران کرونا، افق‌های جدیدی در حوزه سیاست خارجی به روی افغانستان باز کند. در حقیقت، می‌توان گفت همه‌گیری کرونا بهانه‌ای فراهم آورد تا رهبری افغانستان با اغتنام فرصت این سوآن سوا تماس گرفته تا جایگاه دولت کابل را در انظار جامعه جهانی تثبیت کند.

این تلاش‌ها در حالی صورت گرفت که مذاکرات صلح ایالات متحده آمریکا با گروه طالبان به امضای توافق‌نامه انجامیده بود و طالبان تا حدودی موفق شده بودند در سطح بین‌المللی به عنوان اپوزیسیون مشروع شناخته شوند؛ بنابراین، در این شرایط، رهبران افغانستان که از جانب دولت آمریکا برای رهایی زندانیان طالبان تحت فشار قرار گرفته بود، تلاش کرد تا در چارچوب دیپلماسی سلامت، سطح تماس‌هایش را با دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی افزایش دهد؛ با این هدف که به گروه طالبان نشان دهد که موافقت‌نامه صلح این گروه با آمریکا از وزن افغانستان در جامعه جهانی چیزی نکاسته و نظام جمهوری اسلامی کماکان نماینده مشروع افغانستان در جامعه بین‌المللی محسوب می‌شود. بر این پایه، رئیس‌جمهور اشرف غنی پس از تثبیت پیروزی‌اش در انتخابات، با خارج کردن وزارت امور خارجه از کنترل حزب جمعیت و سپردن آن به محمدحنیف اتمر، دستگاه دیپلماسی



افغانستان را منسجم‌تر کرد. در حالی که انتخاب مجدد اشرف غنی با اما و اگراهایی همراه شده بود، او در چارچوب دیپلماسی سلامت و مسئله کوید-۱۹ با رهبران و مقامات کشورهای مختلف تماس می‌گرفت تا نشان دهد مهار قدرت را کماکان در دست دارد تا آن‌جا که وی برخلاف عرف معمول در دیپلماسی، با وزرای خارجه کشورهای ایران و اسپانیا تماس گرفت و از کمک دولت‌های این کشورها به افغانستان تشکر کرد و جان‌باختن شهروندان‌شان را در نتیجه شیوع کوید-۱۹ تسلیت گفت (<http://dailyafghanistan.com/national>).

علاوه بر رئیس جمهور، محمدحنیف اتمر نیز که در دوره موج اول کرونا به عنوان سرپرست وزارت امور خارجه کار می‌کرد، کوشید در ادامه سیاست چندجانبه‌گرایی اشرف غنی و برای رسانیدن این پیام که پیمان صلح میان امریکا و طالبان چیزی از منزلت دولت افغانستان در عرصه سیاست خارجی نکاسته است، تلاش‌های دیپلماتیک به عمل آورد. در این راستا با توجه به کاهش دیدارهای حضوری، او تماس‌های تلفنی و آنلاین متراکمی با هم‌تایان خویش و سایر مقامات بلندپایه در کشورهای دور و نزدیک برقرار می‌کرد و ضمن جلب حمایت‌ها و کمک‌های کشورهای دوست مانند ترکیه، هندوستان، چین، آلمان و ازبکستان در رابطه با مدیریت و کنترل بحران کرونا و ویروس، دیپلماسی سلامت افغانستان را بسط بیش‌تری می‌داد (<https://ufuqnews.com/archives>).

#### ۴-۲. کرونا و چالش‌های دیپلماسی سلامت

کرونا علی‌رغم این‌که برخورد یگانه با کشورها و ملت‌ها داشت؛ اما نتایج سیاسی آن برای جهان چالش‌های بسیاری به همراه آورد. به نوشته «رابرت مالی» (مدیر گروه بحران بین‌المللی): «با وجود این‌که در آغاز گسترش بیماری کرونا به نظر می‌رسید این بیماری همه‌گیر موجب همکاری عمیق‌تر بین‌المللی برای مقابله با چالش‌های مشترک جهانی شود؛ اما در ادامه نشان داد که به این سوگرایش دارد که روندهای موجود دشمنی را در جهان شدت و سرعت بخشد و موجب «ضد جهان‌وطنی» شود (مالی، ۲۰۲۰: ۱). در حال حاضر، شیوع بیماری کرونا بحرانی فراگیر و بی‌سابقه در جهان ایجاد کرده است؛ به گونه‌ای که «آنتونی گوتش»، دبیرکل سازمان ملل متحد، آن را بزرگ‌ترین بحران پس از جنگ جهانی دوم خوانده است. کرونا نظم بین‌الملل را تحت تأثیر قرار داده و نشانه‌های آن هم‌اکنون در جهان دیده می‌شود (شمسینی غیاثوند و جهانگیری، ۱۳۹۹: ۱۰). در حقیقت، چالش‌هایی که در حوزه دیپلماسی سلامت روابط بین‌الملل را تهدید می‌کند، برای افغانستان شدیدتر است. هرچند در دوره حاکمیت کرونا، رهبری دیپلماسی افغانستان تلاش کرد دامنه دیپلماسی سلامت را به سوی تأمین منافع ملی هدایت کند؛ اما باید پذیرفت که دیپلماسی سلامت افغانستان با آسیب‌ها و چالش‌هایی روبه‌رو است که به مهم‌ترین آن‌ها ذیلاً می‌پردازیم.



#### ۴-۲-۱. سردرگمی در دستگاه دیپلماسی

کرونا علاوه بر این که سیاست داخلی کشورها را به هم ریخته بود، سیاست خارجی دولت‌ها را در اوایل شیوع ویروس در حالت سردرگمی و بلا تکلیفی قرار داده بود. می‌توان گفت در این بازه زمانی دیپلماسی‌ها در وضعیت استثنایی قرار داشتند. وضعیت استثنایی مفهومی است ناظر بر شرایط خاصی که بر اثر بحران‌های گوناگون در جامعه وضع می‌شود و در آن به سبب اضطراب موجود، بسیاری از ابعاد وضعیت عادی به حال تعلیق در می‌آید. نخستین بار، «کارل اشمیت» بود که آن را به این شکل مطرح کرد و با برقراری پیوند میان وضعیت استثنایی و حاکمیت تأکید کرد که حاکم کسی است که درباره وضعیت استثنایی تصمیم می‌گیرد. به نظر اشمیت، الزامات عملی سیاست‌ورزی، حاکم را ناگزیر می‌کند که در مواقع اضطرابی اقدام به تصمیم‌گیری کند؛ تصمیمی که از قانون وضع شده و مستقر موجود فراتر می‌رود (اشمیت، ۱۹۸۵: ۵).

در حوزه سیاست خارجی افغانستان می‌توان گفت هر چند کوید-۱۹ شوک مناسبی به دیپلماسی سلامت افغانستان وارد آورد و تا حدودی این دیپلماسی را به تحرک واداشت؛ اما باید پذیرفت که سوء مدیریت، به‌ویژه در اوایل بحران، به‌ویژه در سطح سیاست خارجی، کاملاً مشهود بود. مسدود نمودن مرزها با ایران و تقاضا از کشور چین برای توقیف شهروندان افغانستان در آن کشور به دلیل هراس از آلوده بودن آنان، تصمیم عجیبی بود که نادرستی آن در اسرع زمان هویدا شد. هم‌چنین، ناهماهنگی میان نهادهای تصمیم‌گیرنده، به‌ویژه نهاد ریاست جمهوری، شورای عالی امنیت ملی، وزارت صحت عامه و وزارت امور خارجه، نیز به دیپلماسی سلامت آسیب‌های جدی وارد کرد. تلاش بی‌وقفه برای جلب توجه و کمک جامعه جهانی به وضعیت شکننده افغانستان هر چند قابل ستایش است؛ اما مجموعه دولت برنامه منسجم و هماهنگ برای سامان‌دهی و مدیریت منابع داخلی و جلب کمک‌ها و حمایت‌های بین‌المللی نداشت. چندصدایی مقامات عالی‌رتبه و ارائه اطلاعات ناقص و آمارهای ضد و نقیض از وضعیت شیوع و مبتلایان کوید-۱۹ از سوی مسئولان، شک و تردیدهای زیادی در داخل و در سطح بین‌الملل ایجاد کرده بود تا آنجا که شخص رئیس‌جمهور ناگزیر شد شخصاً مسئولیت تعامل با جامعه بین‌المللی را برای جلب و جذب امدادها و حمایت‌های مالی و پزشکی به عهده بگیرد.

#### ۴-۲-۲. تشدید آسیب‌پذیری اقتصادی

انگیزه‌های اقتصادی در توسعه دیپلماسی سلامت نقش دارد و در حقیقت هنگامی که دیپلماسی رسمی به بن‌بست می‌رسد، دیپلماسی‌های جایگزین می‌تواند خلأهای موجود را برطرف کند و قدری از



آسیب‌هایی که به اقتصاد کشور وارد آمده، بکاهد. همه‌گیری کرونا خسارت هنگفتی به اقتصاد جهانی، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه و مخصوصاً کشورهای در حال منازعه، وارد کرد و در خوش‌بینانه‌ترین حالت برای یک دهه کشورها را به سوی خودانزوایی اقتصادی سوق خواهد داد و تا اطلاع ثانوی کشورها را ناگزیر خواهد کرد که به منظور کاهش آسیب‌ها، به همگرایی ملی، استفاده از ظرفیت‌های داخلی، پیدا کردن راه‌های زیست سیاسی نوین و روش‌های سازگاری با شرایط جدید روی بیاورند (خبرگزاری انا، ۳۱ فروردین ۱۳۹۹). اما در افغانستان صدمه‌ای که کوید-۱۹ پس از انسداد مرزها و قفل شدن مبادلات تجاری به اقتصاد این کشور زد، از ابعاد زیادی قابل بررسی است. شیوع فقر و فلاکتی که با شروع دوره قرنطین شهرهای بزرگ را فراگرفت را می‌توان نشانه‌ای تلخی از پیامدهای اقتصادی کرونا و ویروس دانست. رشد منفی اقتصاد افغانستان در سال ۲۰۲۰ و کاهش ۳۰ درصدی آن نسبت به سال پیشین، به گزارش رئیس جمهور، قابل درک است (اطلاعات روز، ۳ میزان ۱۳۹۹)؛ چنان‌که وی در سخنرانی آنلاینش در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، چالش‌های اقتصادی افغانستان در مواجهه با کرونا را پذیرفت و گفت: «برخلاف توقعات، این مرض واگیردار باعث تأمین برابری نشد؛ بلکه خلأهای کنونی و نابرابری‌ها را در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه افزایش داد. در نتیجه، پس از شیوع و ویروس، برخی کشورها به شدت متضرر شدند؛ به طور مثال: افغانستان به عنوان یک کشور فقیر مانند بسیاری از کشورهای فقیر دیگر در سراسر جهان، قادر به طرح و تطبیق بسته‌های تشویقی مؤثر نبود. ما باید در زمینه برقراری قرنطینه احتیاط می‌کردیم تا از وارد آمدن آسیب‌های جدی بر اقتصاد و وضعیت معیشتی مردم که می‌توانست تأثیری به مراتب عمیق‌تر از شیوع و ویروس داشته باشد، جلوگیری کنیم.» (<https://www.independentpersian.com/node>).

اما واقعیت آن است که شرایط سخت اقتصادی کشور در دوره کرونا و ناکافی بودن بودجه اختصاصی دولت موجب شد دیپلماسی سلامت افغانستان نتواند سقف نیازهای افغانستان در کنترل و ویروس و درمان بیماران را تأمین کند. هرچند افغانستان موفق شد در رایزنی با کشورهای دوست و نهادهای بین‌المللی تا حدودی از آلام ناشی از شیوع گسترده و ویروس بکاهد؛ اما راست آن است که با توجه به درگیر شدن تمام مناطق افغانستان با این اپیدمی، درصد بالایی از مردم افغانستان از مساعدت‌های جامعه جهانی محروم شدند و نهایتاً کرونا و ویروس در موج اول، به‌ویژه در مناطق دوردست، قربانیان زیادی از مردم گرفت. در نتیجه می‌توان گفت علی‌رغم جست‌و‌خیزهای دیپلماسی سلامت افغانستان در دوره خیز کرونا، پایه‌های سست اقتصاد دولت و فقدان بودجه لازم، آزادی عمل بیش‌تر را از دیپلماسی سلامت سلب کرد و کنشگری دستگاه سیاست خارجی افغانستان را به درخواست کمک‌های مالی، دارویی و تجهیزات پزشکی از کشورهای دور و نزدیک و سازمان‌های بهداشتی و مالی جهانی تقلیل داد.



### ۴-۲-۳. ناهماهنگی و عدم انسجام در سطح رهبری

کرونا ویروس صرف‌نظر از خسارت‌های مادی و معنوی بسیاری که بر کشورها وارد آورد، دولت‌ها به ویژه دستگاه سیاست خارجی کشورها را در برابر امتحان سختی قرار داد. با همه‌گیر شدن کرونا، نظام‌های سیاسی در سراسر جهان با آزمون بزرگی روبه‌رو شدند؛ به‌گونه‌ای که کنترل آن به عنوان فوری‌ترین اولویت سیاست‌گذاری، در صدر ترجیحات دولت‌ها قرار گرفت. در این راستا، هر دولتی متناسب با امکانات، داشته‌ها و نیز محدودیت‌ها و کاستی‌های خود، به تدوین و اجرای سیاست‌های ممکن مبادرت ورزید. با وجود این، سیاست‌ها و اقدامات برخی کشورها با موفقیت‌ها و کامیابی‌های بیش‌تری همراه بود؛ در حالی که تلاش‌های دیگران موفقیت‌ها و دستاوردهای کم‌تری به همراه داشت (باقری دولت‌آبادی و شفیعی سیف‌آبادی، ۱۳۹۹: ۴۹). اما در افغانستان کرونا زمانی پدیدار شد که در این کشور نتیجه انتخابات ریاست جمهوری اعلام شده بود و دورقیب اصلی انتخابات، دو قطب حکومت وحدت ملی را تشکیل داده بودند.

بنابراین، اختلاف میان رئیس‌جمهور و رئیس‌اجرای که هر دو اعلام پیروزی کرده بودند، فرصت مناسبی در اختیار کرونا قرار داد تا در زمان کوتاهی قلمرو افغانستان را درنوردد. هرچند توافق‌نامه تقسیم قدرت میان دورقیب تا حدودی نگرانی‌ها را برطرف کرد؛ اما این امر زمانی اتفاق افتاد که دیر شده بود. در این فاصله ناهماهنگی میان بخش‌های حکومت و وزارتخانه‌های مسئول و حکومت‌های محلی کاملاً مشهود بود. در حالی که رهبران درگیر جنگ قدرت بودند، کرونا ویروس هم‌چنان می‌تاخت و قربانی می‌گرفت، بدون این‌که دولت آمار مبتلایان و برآوردی از منطق شیوع کوید-۱۹ در اختیار داشته باشد. درگیر شدن دولت‌مردان در جدال‌های انتخاباتی از یک‌سو و بحران بهداشتی حاصل از همه‌گیری ویروس کرونا از سوی دیگر به دیگر بخش‌های دیپلماسی افغانستان آسیب رسانید. به‌عنوان نمونه: کرونا تأخیر زیادی در آغاز مذاکرات صلح با طالبان ایجاد کرد و برگزاری اجلاس ژنو را برای مدتی به تأخیر انداخت و برگزاری آن از طریق ویدئوکنفرانس نتوانست نتایج دلخواه افغانستان را برآورده نماید؛ کما این‌که کرونا به صورت مشهود سطح تعامل و مانور افغانستان را در رویدادها و تحولات بین‌المللی کاهش داد. همه این نارسایی‌ها را به مثابه چالش‌هایی می‌توان تلقی کرد که دیپلماسی سلامت افغانستان پس از همه‌گیری کرونا ویروس با آن درگیر شده بود.

### نتیجه‌گیری

بدون تردید، دیپلماسی سلامت پیش از کرونا در افغانستان چنین محکی نخورده بود. همه‌گیری کرونا در کنار مخاطرات بسیاری که برای جهان به وجود آورد، فضای جدیدی در روابط بین‌الملل گشود. کوید-۱۹ این پیام را برای دولت‌ها به همراه داشته است که مسئله اصلی جهان تنها جنگ،





تسلیحات هسته‌ای و شیمیایی، تروریسم و مخاطرات زیست‌محیطی نیست؛ بلکه بشریت دشمنان بزرگ‌تر اما نامرئی دیگری نیز دارد که می‌تواند امنیت و هستی آن‌ها را به خطر اندازد. کرونا خسارات بسیاری به سیاست داخلی کشورها وارد کرد؛ کما این‌که سیاست خارجی دولت‌ها را نیز دستخوش تغییر کرد. هرچند دیپلماسی سلامت که در ردیف دیپلماسی‌های در سایه قرار می‌گیرد، منحصر در شرایط بحران نیست و دولت‌ها از ظرفیت‌های آن همیشه برای تأمین منافع ملی‌شان بهره می‌برند؛ اما در دوره بحران، به‌ویژه بحران‌های بهداشتی، دیپلماسی سلامت می‌تواند به دیپلماسی رسمی نظام‌های سیاسی کمک کند. متأسفانه در افغانستان دیپلماسی‌های در سایه منزلت چندانی در ساختار سیاست خارجی این کشور نداشته و حتی مرکز استراتژیک وزارت امور خارجه این کشور شناخت روشنی از ماهیت و اهمیت این نوع دیپلماسی ندارد. با وجود این، بحران کرونا سیاست خارجی این کشور را در شرایط خطیری قرار داد و دولت مردان این کشور سعی بلیغی برای مدیریت بحران به خرج دادند و برای کاهش آسیب‌های ویروس در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی تلاش کردند. حاصل این تلاش‌ها هرچند از بروز فاجعه کلان انسانی جلوگیری کرد؛ اما این واقعیت را برای دولت افغانستان آشکار نمود که دولت مردان افغانستان در حوزه سلامت و ابعاد بین‌المللی آن درک و شناخت دقیقی ندارند. این در حالی است که بسیاری از دولت‌ها منافع مادی و معنوی بسیاری را از قِبل دیپلماسی سلامت و ارائه خدمات بهداشتی و درمانی به کشورهای دور و نزدیک، عاید کشورشان کرده‌اند. به‌عنوان نمونه: کشور کوچک کوبا در قاره آمریکا علی‌رغم نیم‌دهه تحریم از سوی ایالات متحده آمریکا، به لطف شکوفایی علمی در عرصه پزشکی و درمان، موفق شده است خود را به‌عنوان قطب سلامت در میان کشورهای در حال توسعه معرفی کند و عواید قابل توجهی را از این رهگذر به خزانه کشور واریز نماید؛ کما این‌که همین نقش را در خاورمیانه اسرائیل ایفا می‌کند و به لطف توسعه دانش پزشکی موفق شده است توجه کشورهای نیازمند به خدمات بهداشتی و درمانی را به سمت خود جلب کند. متأسفانه، چشم‌انداز رشد دانش پزشکی در افغانستان روشن نیست و نهادهای علمی و تحصیلی افغانستان در حوزه دانش و دستاوردهای پزشکی تولیدکننده نیستند. در نتیجه تا وضع چنین است، سیاست جلب و جذب کمک‌های بین‌المللی در هنگامه وقوع بحران‌های سلامت نمی‌تواند در تکوین و رشد دیپلماسی سلامت کمک کند. دیپلماسی سلامت صرفاً مدیریت بحران با تکیه بر امداد‌های بیرونی نیست؛ هرچند که در دوره اضطراب این هم وظیفه حکومت است؛ اما این دیپلماسی هنگامی می‌تواند اعتبار ایجاد کند که یک کشور در روابط خارجی خود صرفاً به‌عنوان واردکننده و مصرف‌کننده یافته‌های بهداشتی و پزشکی کشورهای دیگر شناخته نشود.



## منابع

۱. احمدی، کوروش (۱۳۹۸)، «سیاست خارجی و امنیت سلامت بین‌المللی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و چهارم، شماره ۱.
۲. روزنامه اطلاعات روز، ۲۸ جوزا ۱۳۹۹.
۳. باقری دولت‌آبادی، علی و محسن شفیعی سیف‌آبادی (۱۳۹۹)، «سیاست خارجی ایران در عصر کرونا؛ از دیپلماسی سلامت تا دیپلماسی رسانه‌ای»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پانزدهم، شماره ۲.
۴. خبرگزاری انا، ۳۱ فروردین ۱۳۹۹.
۵. شریعتی، شهروز و امین یوسفی (۱۳۹۹) «همه‌گیری کرونا و تحلیل پلی‌هیوریستیکی سیاست خارجی ایران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پانزدهم، شماره ۲.
۶. شمسینی غیاثوند، حسن و سعید جهانگیری (۱۳۹۹)، «بررسی تأثیرات کرونا بر سیاست خارجی»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال یازدهم، شماره ویژه‌نامه
۷. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴)، «از دیپلماسی مدرن به دیپلماسی رسانه‌ای»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره هفتم، شماره ۱۷.
8. Blumenthal SJ (2007), Schlissel E. Health diplomacy: A prescription for peace. Huffingtonpost com.
9. Bourne, p. (1978) "A Partnership for International Health Care", Public Health Reports vol.93 no.2, 1978.
10. Katz, Rebecca et al "Defining Health Diplomacy: Changing Demons in the Era of Globalization", The Milbank Quarterly, vol. 89, No.3.
11. Mali, Robert (2020), "The International Order after COVID\_19", Project Syndicate, Available at: <https://www.project-syndicate.org/commentary/pndemic-nativism-versus-globalism-by-rob-ert-malley-2020-04>.
12. Thaiprayoon S, Smith R (2015). Capacity building for global health diplomacy: Thailand s experience of trade and health. Health Policy Plan.
13. <https://af.sputniknews.com/afghan/202012156131326>

